

عنوان مقاله:

نظری بر معنای ثانوی حاصل از تقدیم فعل در شاهنامه بر اساس داستان جنگ هاماوران

محل انتشار:

ششمین همایش بین المللی زبان و ادبیات فارسی (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

نویسنده:

حامد بشیری زیرمانلو - دانش آموخته دکترای زبان و ادبیات فارسی گرایش ادبیات حماسی از دانشگاه ارومیه

خلاصه مقاله:

معنای ثانوی به عنوان یکی از جنبه های معنایی شاهنامه تا حد زیادی با ساختارهای نحوی این اثر مرتبط است. در این مقاله برای مشخص شدن رابطه بین این ساختارهای نحوی و معنای ثانوی، تمامی افعال مقدم ابتدای مصراع در داستان جنگ هاماوران مورد بررسی قرار گرفته است. این بررسی در مرحله نخست نشان داد که تقدیم فعل در ابتدای مصراع یک کارکرد بلاغی است که از آن برای بیان معنای ثانوی استفاده شده است. حاصل این بررسی نشان می دهد که افعال مقدم در ابتدای مصراع، مجموعاً با ۲۲ نوع معنای ثانوی مرتبط هستند که از آن میان سه معنای ثانوی تأکید بر فعل، اغراق و تعظیم و قصد موکد بنا به ارتباطی که با لحن حماسی دارند؛ بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده اند و از این نظر نشانه دهنده رعایت مقتضای حال و هوای نوع ادبی اثر هستند. بنابراین این نوع از ساختار نحوی نشان دهنده یک ظرفیت بلاغی است که شاعر از آن برای ایجاد لحن و فضای حماسی سود جست است. در این مقاله، معنای نوی تا قصد موکد که برای نخستین بار از سوی نویسنده معرفی شده به عنوان یکی از معنای ثانوی مرتبط با لحن حماسی در نظر گرفته شده است. امید است که نتایج حاصل از این مقاله گامی باشد در راستای روشن تر شدن کارکرد ساختارهای نحوی در ایجاد اغراض بلاغی شاهنامه.

کلمات کلیدی:

تقدیم فعل، معنای ثانوی، قصد موکد، لحن حماسی، جنگ هاماوران

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1645003>

